



# The Study of Maladjustment of Child Character/Hero in the Fictional Works of Jalal Al-e Ahmad (*Minarets and Firmament, My Sister and the Spider and Auspicious Celebration*)

Zeinab Khorshidi <sup>1</sup> | Mohammad Taghavi \* <sup>2</sup>

1. M.A student of Persian Language and Literature, Literature and Humanities Faculty, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: khorshidi1393@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor of Persian Language and Literature, Humanities Faculty, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: taghavi@um.ac.ir

---

---

## Article Info

### Article type:

Research Article

### Article history:

Received: 28/05/2021

Received in revised form:  
21/12/2021

Accepted: 29/12/2021

### Keywords:

Al-e Ahmad,  
Fictional Works,  
Maladjusted Character,  
Child and Teenager Hero.

## ABSTRACT

Realistic stories are the dominant feature of contemporary fiction. Al-e Ahmad has been one of the most prolific writers in the field of realistic fiction, who has always expressed his criticism and objection of the current situation through various fiction works. The most important element of his stories are the characters who protest against what is going on around them and somehow have maladjusted behaviors with their associations. This characteristic can be seen even in the child and teenager heroes of Al-e Ahmad stories. In this article, the characteristics of maladjusted characters in child and teenager heroes are explained and analyzed. Hero/narrator in these stories cannot show his sympathy and empathy in the company of family and friends. According to this, his dissatisfaction and protest constantly manifests itself in the form of maladjusted behavior. Abbas is the protagonist of a story that constantly blames others in the family and, of course, he is being upbraided by his parents too. Al-e Ahmad's spirits and thoughts and his personality traits (protester, criticizer and somewhat maladjusted) are clearly seen in these stories. Based on this, the child hero can be considered as a copy of the author who conveys the kind of his political and cultural views and thoughts to the reader. Of course, in some cases, the author's childhood memories and experiences are told in the form of story.

---

---

**Cite this article:** Khorshidi, Z. & Taghavi, M. (2023). The Study of Maladjustment of Child Character/Hero in the Fictional Works of Jalal Al-e Ahmad (*Minarets and Firmament, My Sister and the Spider and Auspicious Celebration*). *Research Journal in Narrative Literature*, 12(1), 97-120.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/rp.2021.6381.1327

---

---



## بررسی ناسازگاری‌های شخصیت / قهرمان کودک در آثار داستانی جلال آل احمد (گلدسته‌ها و فلک، خواهرم و عنکبوت و جشن فرخنده)

زینب خورشیدی<sup>۱</sup> | محمد تقوی<sup>۲\*</sup>

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه:

khorschidi1393@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

رایانامه: taghavi@um.ac.ir

### اطلاعات مقاله

### چکیده

#### نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸

#### واژه‌های کلیدی:

آل احمد،

آثار داستانی،

شخصیت ناسازگار،

قهرمان کودک و نوجوان.

داستان‌های واقع‌گرا، وجه غالب ادبیات داستانی معاصر را تشکیل می‌دهد. آل احمد از نویسندگان پرکار در حوزه ادبیات داستانی واقع‌گرا بوده است که همواره انتقاد و اعتراض خود را به وضع موجود از طریق آثار داستانی مختلف نشان داده است. مهمترین رکن داستان‌های او شخصیت‌هایی هستند که نسبت به آنچه در اطرافشان می‌گذرد، معترض‌اند و به نحوی دچار ناسازگاری‌های رفتاری در قبال اطرافیان خود هستند. این ویژگی شخصیت‌ها در قهرمانان کودک و نوجوان داستان‌های آل احمد هم دیده می‌شود. در این مقاله ویژگی‌های شخصیت‌های ناسازگار در قهرمانان کودک و نوجوان چند داستان تبیین و تحلیل شده است. قهرمان/راوی در این داستان‌ها به دلایل مختلف نمی‌تواند در خانواده و در جمع دوستان از خود همراهی و همدلی نشان دهد. بر این اساس دائم ناخرسندی و اعتراض وی به شکل ناسازگاری رفتاری بروز می‌کند. عباس قهرمان داستانی است که در جمع خانواده دائماً به سرزنش دیگران می‌پردازد و البته از جانب والدین نیز شتمات می‌شود. روحيات و افکار آل احمد و ویژگی‌های شخصیتی او (معترض و منتقد و تا حدی ناسازگار) در این داستان‌ها به روشنی دیده می‌شود. بر این اساس می‌توان قهرمان کودک را نسخه‌ای از نویسنده دانست که نوع نگاه و اندیشه‌های سیاسی و فرهنگی او را به خواننده منتقل می‌کند. البته در مواردی خطرات کودک‌نویسنده و تجربه‌های دوران کودک‌نویسی در قالب داستان بیان شده است.

**استناد:** خورشیدی، زینب و تقوی، محمد (۱۴۰۲). بررسی ناسازگاری‌های شخصیت / قهرمان کودک در آثار داستانی جلال آل احمد (گلدسته‌ها و فلک، خواهرم و عنکبوت و جشن فرخنده). پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۲(۱)، ۹۷-۱۲۰.

حق مؤلف © نویسنده‌گان.



ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/rp.2021.6381.1327

## ۱. پیشگفتار

جلال آل احمد (۱۳۰۲ تا ۱۳۴۸) یکی از نویسندگان برجسته آثار واقع گرا و جامعه‌شناسانه در دوره معاصر است و از این رو گفته‌اند می‌توان از داستان‌ها و رمان‌های او، مطالب جامعه‌شناختی را درباره ایران معاصر و برخی تحولات عمده اجتماعی استخراج کرد (عسگری حسنگلو، ۱۳۸۷: ۱۴). این قابلیت در آثار آل احمد همسو با علایق نویسنده و شخصیت اوست؛ شخصیتی که سیمین دانشور آن را «دقیق، حساس، تیزبین، خشمگین، افراطی، خشن، صریح و صمیمی» (۱۳۶۸: ۸۵) می‌داند.

یکی از ویژگی‌های قهرمان داستان‌های وی ناسازگاری است. «ناسازگاری» از جمله موضوعات جامعه‌شناختی و روانشناختی است. از منظر جامعه‌شناختی «اعتراض بر ضد ترتیبات اجتماعی موجود» (اچ ترنر، ۱۳۷۸: ۳۶۰)، احساس نارضایتی و ناخشنودی از موقعیت شغلی و اجتماعی، نارضایتی از نقش خود و ایفای نامناسب آن، پذیرفتن ارزش‌های جامعه و رفتار نکردن مطابق ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی و عرفی جامعه و دارای توقعات و اعتقاداتی که موافق با ارزش‌های مورد قبول نیست (امیری، ۱۳۶۴: ۳۷) از مصادیق ناسازگاری فرد به شمار می‌رود.

اکبری نشانه‌های ناسازگاری کودکان و نوجوانان را چنین برمی‌شمارد:

«گریزان بودن از معاشرت و قرار گرفتن در گروه، مغرور و خودخواه بودن، بدگمانی نسبت به دیگران، حسادت شدید، به سر بردن دائمی در رقابت و منازعه با دیگران، قیافه عبوس و گرفته داشتن، نیت فریب دادن خود و دیگران، بی‌علاقگی به تحصیل و مطالعه، واکنش قوی و سخت در برابر امری ساده و کم‌اهمیت، گریزان از مدرسه و کارهای درسی، مخفی داشتن انگیزه عمل خود، پافشاری در رفتار نادرست خود، توسل به حيله در بعضی از موارد، سرباز زدن از مقررات اجتماعی، پرخاشگری و عصبانیت با کوچکترین مسأله، پیوسته آزار رساندن به اطرافیان، تعرض و کتک کاری با دیگران، سرپیچی و تمرد از والدین» (۱۳۸۴: ۱۹ و ۲۰).

در این پژوهش انواع ناسازگاری از منظر جامعه‌شناختی و روانشناختی شایان توجه است.

روحیه مخالف‌خوان و اعتراضی قهرمانان اصلی داستان‌های آل احمد بی‌ارتباط با رویکرد اجتماعی و سبک واقع‌گرای او در داستان‌نویسی نیست. ضمن آنکه ویژگی‌های قهرمانان داستان‌هایش تا حدی

از شخصیت خود نویسنده و رویکرد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وی حکایت می‌کند. مخالفت با ساختارها و قواعد حاکم بر روابط اجتماعی و نگاه انتقادی نویسنده نسبت به آن‌ها در داستان‌های مربوط به کودکان نیز دیده می‌شود. شخصیت‌های اصلی کودک در نقش روشنفکرانی منتقد نسبت به اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان خود ظاهر می‌شوند. با این حال روحیه و رفتار ناآرام و ناسازگارانه در این قهرمان‌ها برجسته‌تر است.

در این پژوهش پس از تعیین ناسازگاری‌های قهرمان کودک داستان‌های گلدسته‌ها و فلک، خواهرم و عنکبوت و جشن فرخنده به تحلیل آن می‌پردازیم که شامل بررسی مسائلی همچون زمینه‌های ناسازگاری قهرمان و مثبت یا منفی بودن آن با توجه به معیارهای روانشناختی و جامعه‌شناختی و سپس تناسب شخصیت قهرمان داستان با نویسنده پرداخته شده است. پرسش‌های پیش روی ما در این پژوهش شامل موارد زیر است:

۱. آیا میان ویژگی‌های شخصیت ناسازگار در داستان‌های گلدسته‌ها و فلک، خواهرم و عنکبوت و جشن فرخنده و شخصیت خود آل احمد نسبتی وجود دارد؟

۲. ناسازگاری‌های قهرمان داستان کودک شامل چه مواردی و بر چه زمینه‌هایی استوار است؟

۳. رفتارهای قهرمان کودک از نوع ناسازگاری منفی است یا مثبت؟

در خصوص پرسش اول، خصوصیات قهرمانان کودک با ویژگی‌های خود نویسنده (آل احمد)، همانندی زیادی دارد و این فرض را با توجه به نوشته‌ها و گفته‌های خود او یا اطرافیان وی می‌توان مطرح کرد. فرض ما درباره پرسش دوم این است ناسازگاری‌های قهرمان گاهی جنبه شخصی و فردی دارد. گاهی در مسائل اجتماعی و خانوادگی است و مواردی نیز فراتر از حد کودکان و بیشتر اعتراضی سیاسی به‌شمار می‌رود. فرض ما درباره پرسش سوم نیز این است که قهرمان کودک در داستان‌های انتخاب شده هم دارای ناسازگاری منفی است هم مثبت.

۱. در برخی از داستان‌های آل احمد همچون سرگذشت کندوها، نون و القلم و مدیر مدرسه که قهرمان داستان از منظر یک روشنفکر و منتقد به مسائل جامعه خود می‌نگرد، کم‌وبیش همین ویژگی‌های ناسازگارانه مشهود است. رویکرد انتقادی این شخصیت‌ها نسبت به مسائل و اعلام نارضایتی نسبت به وضعیت جامعه و مردم و روحیه اصلاح‌طلبی قهرمان را می‌توان نوعی ناسازگاری اجتماعی مثبت شمرد. آل احمد به واسطه شخصیت‌های تمثیلی همچون «شباباجی خانم بزرگه» در سرگذشت کندوها و «میرزا اسدالله» در نون و القلم عقاید انتقادی سیاسی و اجتماعی خود را مطرح می‌کند.

## ۲. پیشینه و پیکره متنی پژوهش

به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی با عنوان بررسی ناسازگاری‌های شخصیت‌های داستانی جلال انجام نشده است؛ اما آثاری که به تحلیل جامعه‌شناختی داستان‌های آل احمد پرداخته‌اند به مبحث ناسازگاری شخصیت‌های داستانی او نیز اشاراتی کرده‌اند که می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

زیار (۱۳۸۸)، در پژوهش خود به «بررسی تأثیر اندیشه‌های آلبر کامو بر جلال آل‌احمد» می‌پردازد. وی با انجام نقد روان‌شناسی از دیدگاه ژاک لکان و نشانه‌شناسی رولان بارت، بر روی داستان *خوهرم* و *عنکبوت* و با مطالعه و تحلیل مضامینی چون *نیهیلیسم*، *ماشینیسم* و *مدرنیته‌ستیزی* در این اثر به تشابهات و مشترکات فکری این دو نویسنده اشاره می‌کند.

سلامت (۱۳۸۹)، نیز به «تحلیل و بررسی عناصر داستان، زندگی و شیوه نگارش جلال آل‌احمد در کتاب *پنج داستان*» پرداخته است.

شهریاری (۱۳۹۰)، بر اساس نظریه‌های لوکاچ و باختین به بررسی عناصر واقع‌گرایانه در داستان‌های برگزیده از جمله داستان‌های مجموعه *پنج داستان* پرداخته و بررسی و نقد جنبه‌های اجتماعی و سیاسی داستان‌های آل‌احمد را دنبال می‌کند.

منبری (۱۳۹۱)، نیز بر اساس طبقه‌بندی نه‌گانه انیه‌گرام به بررسی تیپ‌های مختلف شخصیت‌های داستانی جلال آل‌احمد پرداخته است. این تیپ‌ها عبارت‌اند از: *کمال‌طلب*، *موفق و بازیگر*، *رمانتیک محزون*، *مشاهده‌گر و فکور*، *وفاجو و وفاخو*، *خوشگذران*، *رئیس و میانجی* می‌باشند.

محسنی سی‌سخت (۱۳۹۱)، در پژوهشی تطبیقی سیمای کودکان در داستان‌های کوتاه جلال آل‌احمد و جمال میرصادقی را مطالعه کرده است. وی در این پژوهش کوشیده است تا شباهت‌ها و تفاوت‌های وضعیت حضور کودکان در داستان‌های دو نویسنده مذکور را بررسی نماید.

محمودی جزه (۱۳۹۲)، با بهره‌گیری از عناصر سازنده داستان بر اساس کتاب *مبانی سبک‌شناسی* پیتروردانک به بررسی سبک‌شناسانه داستان‌های کوتاه آل‌احمد پرداخته است.

ایزنلو (۱۳۹۳) در رساله دکتری خویش با «تحلیل داستان‌های جلال آل‌احمد و نجیب محفوظ بر اساس نظریه «ساخت‌گرایی تکوینی» لوسین گلدمن و لوکاچ»، نشان می‌دهد که این دو نویسنده از گروه‌های بسیاری تأثیر پذیرفته (فاعل جمعی) و به تناسب همین تأثیرپذیری، تلاش نموده تا آمال و آرزوهای گروهی را که بدان تعلق دارند در اثر انعکاس دهند (جهان‌نگری) و از این طریق، مردم سرزمین خود را از شرایط نابسامان جامعه و مشکلات آن آگاه سازند (پیشینه آگاهی ممکن). این دو

نویسنده با خلق شخصیت‌هایی که پایان کارشان شکست است، به ترسیم ارزش‌هایی می‌پردازند که به‌طور موقت از جامعه رخت بر بسته‌اند.

قادری و همکاران (۱۳۹۵)، با مقایسهٔ رمان *ابن‌الفقیر* مولود فرعون و مدیر مدرسه جلال آل‌احمد بیان می‌کنند که این دو نویسنده، متأثر از اوضاع نابسامان جامعه خویش در ضمن داستان‌پردازی، به نقد و تحلیل رفتارهای اجتماعی نامناسب روزگار خود پرداخته‌اند و رفتارهای نامطلوب در میان مردم همچون حسادت، سوءظن، خرافات و تقلید از پوشش‌های غربی نیز مورد انتقاد این دو نویسنده قرار داشته است. همچنین مفاهیم و مضامینی چون فقر، تبعیض، جهل و اوضاع نابسامان خانواده و... در این دو اثر منعکس می‌شود.

احمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی به «بررسی تیپ‌های شخصیت‌های داستانی جلال آل احمد بر اساس طبقه‌بندی انیه‌گرام» پرداخته است. این مطالعه بر روی ده داستان جلال آل احمد صورت گرفته است که داستان‌های کوتاه کتاب *پنج داستان* یکی از آنها است.

افخمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶)، با تکیه بر نظرات جامعه‌شناختی لوسین گلدمن و نظریهٔ او دربارهٔ «جهان بینی» و «ساختار معنادار» نشان می‌دهند که داستان *زن زیادی* بیانگر جهان‌بینی خاص زنان واپس رانده شده و ساختار حاکم بر زندگی آنها می‌باشد؛ در نتیجه این اثر ادبی و اجتماعی، تبدیل به واقعیتی مردم‌شناختی می‌شود که در آن تصویر اجتماعی زن ایرانی به‌خوبی به نمایش گذاشته شده است.

خسروی و زارعی (۱۳۹۷)، در پژوهش خود نشان داده‌اند، آل‌احمد چگونه عناصر فنی داستان‌نویسی و شگردهای زیبایی‌شناختی ادبی را به‌کار گرفته است تا اندیشه‌های اجتماعی و موضوعاتی مانند افراطی‌گری، تضاد طبقاتی، باورها و سنت‌های غلط و علایق انسانی را بیان کند.

در پژوهش‌های یادشده، به‌طور خاص به مسألهٔ ناسازگاری شخصیت‌های داستانی این آثار پرداخته‌اند؛ از این رو ضرورت‌های این تحقیق عبارت است از:

- شناخت بهتر و دقیق‌تر شخصیت داستانی اصلی جلال در داستان‌های انتخاب شده؛
- بررسی جزئی‌تر چگونگی رفتار و واکنش شخصیت‌ها در مقابل قوانین و سنت‌های جامعه، رویکردهای سیاسی و رفتار و باورهای مردم؛
- کشف و تبیین ناسازگاری‌های شخصیت‌های اصلی در داستان‌های انتخاب شده؛

- دست‌یابی به شناخت بهتر از شخصیت جلال آل‌احمد در اثنای بررسی شخصیت‌های داستانی وی. داستان‌های بررسی شده در کتاب پنج داستان آل‌احمد (که در سال ۱۳۵۰ و دو سال پس از فوت جلال منتشر شد، آمده) است. داستان‌های این مجموعه طرحی پررنگ از حوادث اجتماعی دهه اول و دوم قرن حاضر است (پشت‌دار و سلامت، ۱۳۹۱: ۵۰). سه داستان گلدسته‌ها و فلک، خواهرم و عنکبوت و جشن فرخنده در این مجموعه از برخی جهات با هم اشتراکاتی دارند که مهمترین آنها حضور قهرمان اصلی کودک در داستان است. دو داستان دیگر مجموعه؛ یعنی شوهر آمریکایی و خونابه انار به ترتیب به غرب‌زدگی افراد و ظلم حکومت اشاره دارند.

داستان گلدسته‌ها و فلک، برشی از خاطرات کودکی دبستانی است. موضوع این داستان، شوق و اشتیاق راوی در بالا رفتن از گلدسته‌های مسجد مقابل مدرسه با وجود ممنوعیت این کار است. سرانجام، راوی به همراه دوست خود از گلدسته بالا می‌روند و شرح این ماجرا و استعاره‌های مرتبط با آن این داستان را می‌سازد. این داستان از زوایای متفاوت رمزگشایی شده است: از جمله اسحاقیان، گلدسته‌ها و فلک را به بلندپروازی و میل راوی به پیشرفت اجتماعی (۱۳۸۸: ۱۴۷) تفسیر کرده است و عابدینی این کار را گریز از اختناق زمانه دانسته (۱۳۶۸: ۶۷) و حاتمی با توجه به بازگشت جلال به دین و سنت در اواخر عمر کودک را سمبل فطرت خداجوی و بالا رفتن از گلدسته‌ها را به تلاش برای آگاهی و آزادی و ایمان تلقی کرده‌اند (۱۳۸۹: ۹۴).

داستان خواهرم و عنکبوت، درباره ماجرای سرطان خواهر قهرمان و درگیری روحی سایر اعضای خانواده او با بیماری خواهرش است. عنکبوت استعاره‌ای از بیماری خواهر است که همچون عنکبوت بر جان دختر خانواده چنگ انداخته است (آل‌احمد، ۱۳۵۶: ۵۹) و هشت مگسی که در تار عنکبوت گرفتارند، هشت تن از اعضای خانواده هستند که به نوعی با بیماری خواهر قهرمان درگیرند. عابدینی این داستان را بازتابی از ناتوانی انسان در مقابله با طبیعت می‌داند (۱۳۶۶: ۶۶ و ۶۷).

جشن فرخنده، از داستان‌های خاطره‌نگارانه نویسنده است که به دوران قانون کشف حجاب رضا خان مربوط است که این موضوع تاحدی به داستان رنگ سیاسی می‌بخشد. سریچی پدر روحانی از شرکت در میهمانی با وجود الزام و اجبار از جانب حکومت، مقاومت در برابر تجدّد را یادآوری می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱: ۳۲) و به‌طور خاص به مقاومت مردان و زنان مذهبی در مقابل دولت وقت (زمانی نیا، ۱۳۷۴: ۲۵) اشاره دارد.

### ۳. تعریف اصطلاحات

از واژه «ناسازگاری» معانی متفاوت و متنوعی ارائه شده است و در زمینه‌های مختلفی کاربرد دارد. در این پژوهش کاربرد آن در روابط اجتماعی و بین فردی مدنظر است؛ از این رو بیشتر حوزه جامعه‌شناسی و چگونگی رفتار و واکنش یک فرد نسبت به افراد جامعه مورد توجه بوده که البته خود می‌تواند معلول ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی باشد.

**ناسازگاری اجتماعی:** رفتار نکردن فرد، مطابق ارزش‌های جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و لذت نبردن از تجارب اجتماعی یا نداشتن روابط رضایت‌بخش با گروه‌ها و ناتوانی از برآوردن احتیاجات خود در روابط اجتماعی نشانه‌های ناسازگاری اجتماعی است (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴: ۲۴۲). بنابراین آنچه در این پژوهش با عنوان ناسازگاری اجتماعی از آن یاد می‌شود نوعی از ناسازگاری است که در ارتباط میان فرد و محیط اجتماعی او بروز می‌نماید.

**ناسازگاری فردی (شخصیتی):** در این پژوهش در کنار ناسازگاری اجتماعی، نوعی دیگر از ناسازگاری با عنوان ناسازگاری فردی (شخصیتی) مطرح شده است که منظور؛ ناسازگاری درون فردی قهرمان داستان با توجه به ویژگی‌های خلق و خوی او و بر اساس تعریف روان‌شناختی ابوالقاسم اکبری از نشانه‌های شخصیت کودک ناسازگار است که پیش از این به آنها اشاره شد.

**ناسازگاری سیاسی:** منظور از ناسازگاری سیاسی در این پژوهش، هرگونه مخالفت شخصیت قهرمان و نارضایتی او از حکومت یا دولت حاکم، سیاست‌های آنها و نیز افراد سیاسی وابسته به آنها و همراهی نکردن با آنها است.

**ناسازگاری منفی:** وقتی قهرمان داستان مطابق ارزش‌های اخلاقی و دینی یا عرفی رفتار نکند یا به کارهایی مانند ضرب و شتم، ناسزاگویی، تحقیر کردن مبادرت بورزد، ناسازگاری او منفی محسوب می‌شود.

**ناسازگاری مثبت:** بسیاری از ناسازگاری‌ها با هدف انتقاد و اصلاح وضع موجود و بهبود آن یا اصلاح عملکردها و عقاید نادرست ابراز می‌شوند و قهرمان مثلاً در برابر سیستم آموزشی یا تجددگرایی افراطی و غرب‌زدگی گفتار و رفتار اعتراضی دارد که در این موارد می‌توان آن نوع ناسازگاری را مثبت تلقی کرد. مثبت یا منفی قلمداد شدن ناسازگاری تابع نقش آن در تحولات اجتماعی است.



## ۴. ناسازگاری‌های قهرمان در داستان‌ها و انواع آنها

### ۴-۱. ناسازگاری اجتماعی

چنانکه اشاره شد در این پژوهش ناسازگاری اجتماعی وقتی مطرح می‌شود که در ارتباط میان فرد و محیط اجتماعی او مشکلاتی بروز نماید و فرد قدرت انطباق با محیط اجتماعی را نداشته باشد. این وضعیت در موارد متعددی برای قهرمان کودک داستان‌های آل‌احمد پیش آمده است و به اشکال مختلف در گفتار و رفتار وی بروز کرده است.

#### ۴-۱-۱. بیزاری و انزجار از افراد

در داستان *خواهرم* و *عنکبوت* بیزاری قهرمان کودک از شوهر خواهر، از زمان عروسی خواهرش و جهازکشی او آغاز می‌شود. قهرمان با شکستن آینه، مورد سرزنش و تمسخر شوهر خواهر قرار گرفته (راوی را به لفظ «پیرمرد» خطاب کرده) و با این اتفاق نوعی بیزاری نسبت به شوهر خواهر در قهرمان ایجاد می‌شود.

«توی ایوان خانه‌شان که رسیدیم، نمی‌دانم چه‌طور شد که من افتادم پایین [...] و من نمی‌دانستم باید گریه بکنم یا نه که شوهر خواهرم رسید، یعنی داماد. و نه گذاشت و نه برداشت و گفت: پیرمرد چرت می‌زدی؟! که من زدم زیر گریه. از همین سربند پیرمرد گفتنش» (آل احمد، ۱۳۶۳: ۴۷).

در ادامه داستان هم بارها احساس خود را نسبت به شوهر خواهر مطرح می‌کند:

«مگر من ازین شوهر خواهرم خوشم می‌آید؟» (همان: ۵۱) و پس از بیمارشدن خواهرش تحت تأثیر بدگویی‌ها و سردی رابطه خانواده با شوهر خواهر این احساس شدت می‌گیرد: «اما نه بابام، نه مادرم هیچ کدام به او رو نشان نمی‌دادند» (همان: ۴۸).

اسحاقیان با استفاده از نشانه‌های زبان‌شناختی در داستان *خواهرم* و *عنکبوت*، *عنکبوت* را استعاره‌ای از «شوهر خواهر» می‌داند و با توجه به احساس خواهر به *عنکبوت* و شوهر و نیز سخنان راوی درباره شوهر خواهر و *عنکبوت* به این نتیجه می‌رسد که: «همسان دانستن علاقه خواهر به *عنکبوت* و شوهر ... تنفر راوی از شوهر خواهر و *عنکبوت*، یکسان پنداشتن *عنکبوت* و شوهر خواهر است» (۱۳۸۸: ۱۴۶).

۱. واژه‌ای که یادآور «سید جوکی» است که یکی از شوهر خواهرهای جلال او را در دوران نوجوانی به دلیل سخت‌گیری‌های مذهبی مورد خطاب قرار می‌داده است (آل احمد، ۱۳۶۹: ۲۸۹).

علت دیگر تنفرِ راوی، تجدّدگرایی شوهر خواهر است و بر این اساس، «سرطان» که از پیامدهای تجدّد و غرب‌زدگی و ازدواج دختری مذهبی و سنتی با جوانی متجدّد و غرب‌زده شمرده شده است، عاقبتی جز مرگ ندارد (همان: ۱۴۸ و ۱۴۹).

مخالفت با افراد متجدّد در داستان جشن فرخنده نیز دیده می‌شود. قهرمان / راوی در ابتدای رویارویی با دختر سرهنگ به بی‌حجابی و تعلق او به قشر متجدّد جامعه اشاره کرده (آل‌احمد، ۱۳۶۳: ۳۹) و در ادامه به‌طور پیوسته از او با عنوان توهین‌آمیز «زنکه» یاد می‌کند.

- «بعد گفتم بروم بینم دیگر این زنکه کیست؟» (همان).

- زنیکه سرش را انداخت زیر و گفت: - اختیار دارین من درس می‌خونم» (همان).

کودک که اوج خوش‌بویی را در گلاب می‌داند از بوی عطر دختر سرهنگ نیز ابراز بی‌زاری می‌کند (اسحاقیان، ۱۳۸۸: ۱۵۳). «از بوی آن زنکه هم بدم آمده بود که عین بوی معلم ورزش مان بود» (آل‌احمد، ۱۳۶۳: ۴۰). توصیف کفش پاشنه بلند دختر نیز حاکی از لحن انتقادی و بی‌زاری از دختر است. حرف مادر دربارهٔ دختر و کفشش نظرگاه قشر سنتی دربارهٔ قشر مدرن جامعه را می‌رساند. «این دختره رو میگی میز عمو؟ خدا به دورا! نوک کفشش زمین بوده، پاشنه‌اش آسمون» (آل‌احمد، ۱۳۵۶: ۴۳). علاوه بر این، در اشارهٔ عباس به شلوارک پیشاهنگ‌ها و تمسخر آنها نیز می‌توان نفرت او را از ظواهر تجدّد و افراد متجدّد دید. بستن کراوات و خوابیدن روی تخت نیز در زمان راوی یک رفتار متجدّدانه تلقی می‌شود که مورد نقد و اعتراض راوی داستان خواهرم و عنکبوت است.

راوی به نوزاد خواهرش هم بی‌علاقه است: «حوصلهٔ این را هم نداشتم که برم اطاق خودمان و لنگ و پاچهٔ شاشی بچهٔ خواهرم را تماشا کنم.» (همان، ۱۳۶۳: ۴۰) و حس حسادت نسبت به نوزاد در او پیدا می‌شود و از گریهٔ نوزاد به «وق» زدن تعبیر می‌کند: «بچه‌اش وق می‌زد و حوصلهٔ آدم را سر می‌برد» (همان: ۳۵).

## ۲-۱-۴. تحقیر کردن دیگران

نوع تکیه کلام قهرمان / راوی گلدسته‌ها و فلک و صحبت کردن او با رفیقش، نشان از نوعی حس برتری‌جویی در او است. او از بی‌اطلاعی رفیق برای تمسخر او استفاده می‌کند و با سرزنش‌های مکرر به نوعی او را تحقیر می‌کند. تکرار جملهٔ «تو که هیچی سرت نمی‌شه» در موارد متعدد این مسأله را نشان می‌دهد:

- «گفتم: - برو بابا تو که هیچی سرت نمی‌شه... خوب بریم» (آل‌احمد، ۱۳۶۳: ۱۵).

- «گفتم: - تو که هیچی سرت نمی‌شه. مؤذن باید جا داشته باشه. عین مال مسجد بابام.»  
(همان)

- «گفتم: - برو بابا. تو هم که هیچی سرت نمی‌شه. آخه اون کجا وایسه؟ وسط هوا؟» (همان)  
- «گفتم: - برو بابا تو که هیچی سرت نمی‌شه. مگر تیر به این کلفتی رو وسطش  
نمی‌بینی؟» (همان: ۱۹)

در داستان خواهرم و عنکبوت نیز عیب‌ها و نقص‌های ظاهری افراد در داستان پررنگ می‌شود و گویی راوی در توصیف چهره و ظاهر افراد تنها دیده خطابین دارد. او با اشاره به چهره زن‌های داستان، نوع قرآن خواندن خواهر و نیز لقب دادن به هم کلاسی، عیب و زشتی ظاهر، بی‌سوادی و نقص در اندام را مورد توجه قرار می‌دهد. امری که سوای توصیف و پرداخت داستانی و ریزینی و اهمیت راوی به جنبه‌های ظاهری، نوعی تحقیر آنها محسوب می‌شود:

«زن دیگری که من نمی‌شناختمش، همه ابزار صورتش پایین افتاده بود. چانه و نوک دماغ که جای خود را داشت.» (همان: ۵۹). درباره شخصی دیگر می‌گوید: «صنم بر زنکه لمسی بود - گداماند - که هفته‌ای یک روز می‌آمد خانه ما که ناهاری می‌خورد و می‌رفت. دهنش یک وری بود و مدام پر از آب بود و اصلاً نمی‌شد بفهمی چه می‌گوید. عیش این بود که آب دهانش بدجوری می‌رفت و پیش سینه‌اش همیشه عین یک تگه چرم بود و زبانش که دیگر چه بگویم!» (همان: ۵۷). لحن راوی کودک داستان جشن فرخنده نیز نسبت به هم‌کلاسی‌اش و چاقی او تحقیرآمیز است (همان: ۳۴).

### ۳-۱-۴. نداشتن رابطه مناسب با افراد خانواده

در داستان خواهرم و عنکبوت قهرمان با پدر رابطه مناسبی ندارد و از این بابت ناراضی است. تندخویی پدر و برآورده نشدن انتظارات قهرمان باعث این ناخرسندی شده است. تندخویی و بداخلاقی پدر در خانه و ترس راوی از او چندین مرتبه مطرح شده است:

«ولی مگر بابام سرش می‌شد؟ یک داد می‌زد سرم و اردش را می‌داد.» (همان: ۵۵)؛

ترس از پدر، مانع انجام خواسته قلبی و احساس محدودیت در او می‌شود و در نتیجه به دوری راوی از پدر و فقدان رابطه عاطفی مناسب با او شده است. در داستان جشن فرخنده نیز خشونت، ناسزاگویی و تکرار دستور دادن‌های پدر موجب ترس راوی/ قهرمان و بی‌علاقگی نسبت به پدرش شده است. توصیف ترس و لرز و سرزنش، خشم و عصبانیت و ضرب و شتم پدر (همان: ۲۶)، باعث شده پسر به مادر پناه ببرد. اینکه القاب آیت‌الله و حجت‌الاسلام را برای پدر خود دروغین دانسته و به آن اعتقاد

ندارد و بی‌اعتمادی راوی به پدر علاوه بر خشم نسبت به پدر نوعی نقد اجتماعی به عوامل اعتباربخشی به واسطه القاب هم هست.

رفتار عباس با خواهر کوچک‌تر در داستان خواهرم و عنكبوت نشان‌دهنده نداشتن رابطه مناسب و متعادل او با خواهر کوچک‌تر است. «یک وشگون از لپش گرفتم که: - گه سگ! چرا انقدر دیر کردی؟» (همان: ۶۳). این برخورد طلبکارانه او با خواهر و سر به سر او گذاشتن را می‌توان نوعی ناسازگاری تحت تأثیر تفکر مردسالاری دانست.

رفتار قهرمان داستان جشن فرخنده با خواهر کوچک‌ترش نیز از نبود رابطه رضایت‌بخش میان آن‌ها حکایت می‌کند. آزاررسانی و ناسزاگویی او به خواهر کوچک‌تر را نیز ناسازگاری همراه با قدرت‌طلبی و زورگویی قهرمان مربوط است:

«- گه سگ باز خودتو لوس کردی رفتی اون بالا؟ و یک لگد زدم به بساطش که صدایش بلند شد: - خدایا! باز این عباس ذلیل شده اومد.» (همان: ۲۹).

#### ۴-۱-۴. نارضایتی از نظام و قوانین آموزشی

راوی گلدسته‌ها و فلک به تنبیه شدن از جانب معلم، انتقاد می‌کند. از اینکه معلم او را ملزم به نوشتن نام خدا با دست راست کرده نیز ناراحت است. بیان خمار بودن معلم علاوه بر اشاره غیرمستقیم به استعمال مواد مخدر از سوی او، وضعیّت تدریس خشک و غیرقابل انعطاف معلم را مورد انتقاد قرار می‌دهد:

«رفاقتم با اصغر ریزه از وقتی شروع شد که معلممان خمار بود و دست چپ مرا گذاشت روی میز و ده تا ترکه بهش زد» (همان: ۱۳). «و اگر صبح‌ها اخلاقتش خوب است، یعنی کیفور است و اگر بد است، یعنی خمار است» (همان: ۱۰).

لحن تمسخرآمیز عباس در داستان خواهرم و عنكبوت نیز در اشاره به سؤالات امتحان خود را می‌توان حاکی از انتقاد او به طراحی سؤالات امتحانی مدارس و به‌طور کلی وضعیّت تدریس و آزمون‌گیری معلم‌های مدارس دانست:

«از مقدار آبی بود که لازم است در یک «آبشخور» باشد تا قاطرهای هنگ سیراب بشوند. و مهم‌تر این که خود «آبشخور» را نمی‌دانستم یعنی چه.» (همان: ۵۴).

در جشن فرخنده نیز توصیف دقیق راوی از ترفند مادرش در درست کردن شلوار کوتاه به قانون مدرسه اعتراض می‌کند که چنین چیزی را از بچه‌ها خواسته است. بیان متلک‌گویی‌های هم‌کلاسی‌ها نیز بهانه‌ای برای ابراز نارضایتی از قانون مدرسه در الزام پوشیدن شلوارک است.

تأثیرپذیری او از عقاید مذهبی و سنت‌گرای خانواده در این موضعگیری راوی مؤثر بوده که باعث شده پیشاهنگ‌ها را «قرتی» بداند. «مثل این بچه‌های قرتی که پیشاهنگ هم شده بودند و سوت هم به گردنشان آویزان می‌کردند» (همان: ۳۳ و ۳۴).

#### ۵-۱-۴. ناسزاگویی و بددهانی

ناسزاگویی و بددهانی در گفتار راوی خواهرم و عنکبوت تکرار می‌شود:

«گه سگ! چرا انقدر دیر کردی؟» (همان: ۶۳).

او اعتراض و ناسازگاری با هم‌سالان را با کتک‌کاری نشان می‌دهد و نارضایتی و خشم خود در برابر افراد بزرگ‌سال، را با ناسزاگویی:

«مگه آخوندها مال بابای دیتوت را خورده‌اند؟» (همان: ۴۹).

عباس قهرمان داستان جشن فرخنده نیز که از توجه پدر به ماهی‌ها، ناراحت و عصبانی است، اعتراض و انزجار خود را نسبت به ماهی‌ها با ناسزاگویی به آنها نشان می‌دهد. واکنش او به خواهر کوچک‌تر نیز که در جای مادر نشسته، همراه با ناسزاگویی و بددهانی است (همان: ۲۹). ناسزاگویی قهرمان در این موقعیت به شدت علاقه‌مندی او به مادر و ضرورت حفظ جایگاه او مربوط است که نشستن خواهر در جای مادر را بی‌حرمتی به او تلقی کرده است.

#### ۶-۱-۴. نقض قانون مدرسه

راوی گلدسته‌ها و فلک آرزو دارد از گلدسته‌ها بالا برود در حالی که می‌داند این امر نوعی نقض قوانین مدرسه است (همان: ۱۹). اشتیاق قهرمان برای این کار به بی‌پروایی او نسبت به نقض قانون و بی‌توجهی نسبت به توبیخ و تنبیه احتمالی می‌انجامد و البته در نهایت به آرزویش می‌رسد:

«و سرم را بردم توی آسمان و یک پله دیگر و حالا تا نافم در آسمان بود و چنان سوزی می‌آمد که نگو» (همان: ۲۰).

عباس در داستان خواهرم و عنکبوت هم در مدرسه با اینکه می‌داند در مدرسه، کار معامله فیلم «ممنوع» است از انجام دادن آن ابایی ندارد (همان: ۶۱).

#### ۲-۴. ناسازگاری فردی (شخصیتی)

#### ۴-۲-۱. خشونت و پرخاشگری

یکی از نشانه‌های ناسازگاری کودک را می‌توان دعوکردن و خشونت او با هم‌سالان دانست که

روایت داستان خوهرم و عنکبوت نیز، به عادت عباس در دعواکردن با هم کلاسی‌ها و «بچه‌های غریبه» اشاره می‌کند:

«این بود که سر راه، نه حال دعوا کردن با بچه‌های غریبه را داشتیم، نه حوصله ناخنک زدن به بساط میوه فروش سرخیابان را که تازه انگور یا قوتی نوبرانه آورده بود.» (همان: ۵۴).

او اعتراض خود به «دزدی» هم کلاسی‌اش را نیز با دعوا و کتک‌کاری بروز می‌دهد:

«یادم نیست عصر چه امتحانی داشتیم؛ اما یادم است که پس از تعطیلی مدرسه، سر یک فیلم «بوک جونس» با حسن لش دعوا شد. و چنان با کله‌ام زدم توی سینه‌اش که کله‌اش از عقب خورد به کاج مدرسه» (همان: ۶۰).

عادت او به ابراز خشم و عصبانیت با زدن افراد، حاکی از شخصیت عصبی و پرخاشگر اوست که می‌توان آن را به محیط خشک و مقررّاتی خانه و تندخویی پدر نسبت داد که به تدریج کردار و رفتار او را تحت تأثیر خود قرار داده و از او در همان سنین کودکی، شخصیتی عصبی و پرخاشگر می‌سازد که از رفتار آدم‌ها زود «کلافه» شده و تنها راه تلافی را کتک زدن، می‌داند:

«و من همچو کلافه شدم که اگر سر زنگ تعطیل مدرسه بود، دک و پوزشان را خرد کرده بودم» (همان: ۵۵).

نوع برخورد و رفتار عباس با بزرگ‌ترها نیز نمونه‌ای دیگر از طبع تندخو و پرخاشگر او است. او که از برداشتن سرب سنگین و نیز بی‌اطلاعی از اخبار و ماجراهای خانه ناراضی و عصبانی است، ناراحتی خود را در لحن صحبت با مادر با وجود علاقه‌مندی به او بروز می‌دهد: «برین بابا. شمام با این قربون صدقه‌های الکی تون...» (همان: ۵۸).

لحن نامناسب در صحبت با بزرگ‌تر در رفتار و اعتراض او به معلم حساب نیز دیده می‌شود. استفاده او از واژگان رکیک در اعتراض به معلم حساب و در ادامه داستان در جواب‌گویی به او، از روحیه پرخاش جویانه و بی‌ادبی‌ی راوی نشان دارد که بدون توجه به حرمت‌ها به شیوه نامناسبی با معلم سخن می‌گوید.

همان‌طور که گفته شد، چنین رفتاری را می‌توان تحت تأثیر خلق و خوی نادرست پدر دانست. فحاشی، تندخویی و حاکمیت آمرانه پدر در خانه بر رفتار و کردار کودک تأثیرگذار بوده، او را در مدرسه به فردی تهاجمی در مقابل معلم تبدیل می‌کند که بی‌محابا خشم و نفرت خود نسبت به معلم را بدون توجه به جایگاه و مقام او، بروز می‌دهد و هر آنچه در ذهن دارد به زبان می‌آورد:

«و تا آمدم در بروم که دیدم معلم حساب‌مان سر راهم سبز شد[...]. با دو تا شلنگ خودش را رساند و پس گردنم را گرفت: - که حالا قلدرم شدی پدر سوخته؟ هان؟ حالا نشونت می‌دم. - هر گهی دلت می‌خواد بخور» (همان: ۶۰).

راوی داستان جشن فرخنده نیز عادت داشته خواهرش را کتک بزند. یک جا اشاره می‌کند که:

«حوصله نداشتم کتکش بزنم» (همان: ۲۹).

#### ۴-۲-۲. آزار رساندن بی دلیل به دیگران

عباس، کودک داستان جشن فرخنده پرخاش جو است دائم شیطنت می‌کند. سرگرمی هر روز او با دوستان این است که با عمله‌های کلاه نم‌دی شوخی و آن‌ها را اذیت کند:

«می‌رفتیم سر خیابان و به تقلید آجانها کلاه نم‌دی عمله‌ها را از سرشان می‌قاییدیم و دستش ده بازی می‌کردیم» (همان: ۴۰).

او در خانه هم خواهر کوچک‌تر را اذیت می‌کند. نوع واکنش او به خواهر در نشستن در جای همیشگی مادر و لگد زدن به بساط او، نشان از تأثیرپذیری از تفکر حاکمیت مرد در خانه و فطرت قدرت طلب و مستبدانه درونی او دارد که با زورگویی و آزاررسانی به خواهر کوچک‌تر بروز می‌نماید:

«و یک لگد زدم به بساطش که صدایش بلند شد» (همان: ۲۹).

بازی‌های عباس قهرمان داستان گلدسته‌ها و فلک نیز که توأم با آزاررسانی به حشرات است، حاکی از رفتار نابهنجار اوست:

«اگر بخواهی مگس گیر مورچه‌ها بیفتند، باید دست‌کم یک بالش را بکنی تا نپرد. یا یک چوب جارو توی کونش فرو کنی که اگر هم بپرد، نتواند» (همان: ۵۱).

#### ۴-۲-۳. حسادت

روایت کودک از علاقه‌مندی پدر به گلدان‌ها در داستان گلدسته‌ها و فلک به نوعی از حس حسادت راوی به نوع رفتار و نیز توجه پدر نسبت به آنها حکایت دارد. حساسیت سنین کودکی راوی و نیاز او به توجه و محبت پدر و در مقابل مواجهه با رفتار آمرانه و سرد او و توجه خاص نسبت به گل‌ها، موجب ایجاد حس حسادت در درون راوی و نوعی بیزاری از گل‌ها می‌شود:

«رفتم سراغ گلدان‌های یاس و نارنج که به جان بابام بسته بود. روزی که اسباب‌کشی می‌کردیم، یک گاری درسته را داده بودند به گلدان‌ها و بابام حتی اجازه نداد که ما را بغل گلدان‌ها سوار کنند؛ از بس شورشان را می‌زد. دوتا از گل یاس‌ها را که بابام ندیده بود، تا

بچیند، چیدم و گذاشتم توی جیب پیش سینه‌ام» (همان: ۱۱).

مسئله‌ای که با توجه به داستان به عنوان خاطره‌ای از دوران کودکی نویسنده و نیز اشاره او در سنگی بر گوری در علاقه‌مندی پدر به گل‌ها و گیاهان (آل‌احمد، ۱۳۸۴: ۴۵) نشان‌دهنده رفتار پدر جلال و نیز احساس درونی خود او نسبت به این امر می‌باشد.

ناسازگویی کودک راوی به ماهی‌ها و نوعی ابراز نفرت از آنها را در داستان جشن فرخنده نیز می‌توان ناشی از حسادت راوی کودک داستان به ماهی‌ها دانست (آل‌احمد، ۱۳۶۳: ۲۵). حسادتی که عامل اصلی شکل‌گیری آن، توجه و علاقه‌مندی پدر به آنهاست. عتاب و پرخاش پدر به راوی تنها به جهت تکان دادن آب و ترسیدن ماهی‌ها، موجب تلقی او مبنی بر رفتار تبعیض‌آمیز پدر و توجه و علاقه‌مندی بیشتر او به ماهی‌ها می‌شود. برداشتی که موجب انزجار از ماهی‌ها به عنوان عاملی در مورد سرزنش پدر قرار گرفتن راوی و آرزومندی او در از بین رفتن آنها می‌شود. مسئله‌ای که از حساسیت دوران کودکی و نیاز مبرم کودک به توجه و محبت والدین حکایت دارد که در صورت عدم اهمیت و مهربانی به کودک، به دور شدن او از بزرگ‌تران (پدر) و سرد شدن رابطه‌ها و پناهندگی و علاقه‌مندی به ارتباط با غریبه (همسایه کفترباز) منجر می‌شود.

#### ۴-۲-۴. نافرمانی و لجاجت

در داستان گلدسته‌ها و فلک اشاره راوی به منتظر ماندن دوست پدر زمانی مطرح می‌شود که او پیش از آن، امر پدر به خود را در شستن دست و صورت متذکر شده بود. مسئله‌ای که در زمان راوی، با توجه حاکمیت تفکر پدرسالاری در جامعه نوعی سرپیچی از امر پدر و عدول از ارزش حاکم محسوب می‌شود:

«[مادرم] کت و شلواری را که بابام عید سال پیش خریده بود از صندوق در آورد و تنم کرد و فرستادم اتاق بابام. [...] بابام مرا که دید، گفت: «برو دست و روت رم بشور، بچه.» که من درآمدم. [...] تا راه بیفتد، من یک خرده توی حیاط پلکیدم.»

در داستان به مواردی اشاره می‌شود که علاوه بر بی‌پروایی کودک در رسیدن به خواسته درونی خود، با بالا رفتن از گلدسته‌ها لجبازی او در مقابل تویخ‌ها و هشدارهای مدیر مدرسه را نشان می‌دهد:

«گفت: زکی! نیگا کن مدیر داره برامون خط و نشون می‌کشه [...] گفتم: حیف که نمی‌شه رفت بالاتر، چطوره سرش وایسیم؟ و یک پایم را گذاشتم سر کفه گلدسته که بند آجرهاش پر از فضله کفتر بود» (همان: ۲۱).



همین مسأله در مورد گلدان‌های پدر تکرار می‌شود. قهرمان داستان با وجود اطلاع از دلبستگی و علاقه‌مندی پدر به گل‌ها و ممنوعیت نشستن کنار گلدان‌ها، از گل‌ها می‌چیند:

«رفتم سراغ گلدان‌های یاس و نارنج که به جان بابام بسته بود. روزی که اسباب‌کشی می‌کردیم، یک گاری دسته را داده بودند به گلدان‌ها و بابام حتی اجازه نداد که ما را بغل گلدان‌ها سوار کنند؛ از بس شورشان را می‌زد. دوتا از گل یاس‌ها را که بابام ندیده بود، تا بچیند، چیدم و گذاشتم توی جیب پیش سینه‌ام» (همان: ۱۱).

سریچی راوی کودک جشن فرخنده از امر پدر نیز با وجود تندخویی و حاکمیت آمرانه او در خانه، نشان از بی‌پروایی او و عدم رفتار مطابق ارزش و اصول خانواده و جامعه خود در رعایت بی‌چون و چرای امر پدر در خانواده دارد (همان: ۲۶). راوی کودک بر اساس معیارهای خود از خوب و بد افراد و اعمال آنها، سخن می‌گوید. او از نهی پدر در ارتباط نداشتن با «اصغر آقا» سر باز می‌زند و کردار و رفتار پدر مذهبی خود را با همسایه کفترباشان مقایسه می‌کند.

کودک که در مقابل فحاشی و ناسزاگویی پدر، سکوت و صبوری همسایه را می‌بیند، با اعتقاد بر خوش‌خویی او نسبت به پدر خود، به‌عنوان فردی روحانی، حکم ممنوعیت ارتباط با او را غیرمنصفانه دانسته، بر اساس ملاک‌های ذهنی خود عمل می‌کند و با توجه به اصول و ضوابط شخصی خود در خوب و بد بودن افراد، که بر خلاف پدر ناشی از تعصب نیست، آدم‌ها را تنها بر اساس کردار و اعمال آنها به داوری می‌برد.

#### ۴-۲-۵. فریب دادن

ترفند راوی برای فرار از تنبیه احتمالی ناظم به خاطر بی‌احترامی به معلم حساب و وانمود کردن او به سرگیجه، نوعی فریب دادن تلقی می‌شود: «این بود که دو مرتبه چشمم را بستم و دستم را بردم پس گردنم و دست چپم را گرفتم به دیوار. اما هیچ طوریم نشده بود» (همان: ۶۱). حرکت او علاوه بر این که از شیطنت و نیز جسارت او حکایت می‌کند، به جهت انجام آن از جانب یک کودک، نوعی ناسازگاری محسوب می‌شود (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۹).

#### ۴-۳. ناسازگاری سیاسی

در مطالعه شخصیت کودک در سه داستان انتخاب شده، علاوه بر ناسازگاری‌های اجتماعی و فردی (شخصیتی)، ناسازگاری سیاسی نیز به چشم می‌خورد. انتقاد راوی کودک در داستان خواهرم و عنکبوت به چگونگی طرح سؤالات و وضعیت آزمون‌گیری مدارس جامعه و نیز قوانین آن را می‌توان

نوعی انتقاد از سیستم آموزشی و عملکرد اداره فرهنگ در سطح کلان دانست:

«سؤال امتحان نه از عدل پنبه بود، نه از حجم انبار. از مقدار آبی بود که لازم است در یک «آبشخور» باشد تا قاطرهای هنگ سیراب بشوند. اگر هر قاطری فلان قدر آب بخورد و تعداد قاطرها و ازین مزخرفات... و مهم‌تر این که خود «آبشخور» را نمی‌دانستم یعنی چه» (آل‌احمد، ۱۳۶۳: ۵۴).

نقدی که با توجه به کودک بودن راوی، نشان از تحمیل نارضایتی نویسنده، به‌عنوان یک معلم، بر زبان او دارد. طرح نمونه‌ای از سؤال امتحانی تنها بهانه‌ای است که نویسنده با اشاره به وضعیت سؤالات امتحانی و عدم تناسب آنها با معلومات دانش آموزان، در حقیقت عملکرد اداره فرهنگ زمان خود را به‌عنوان نهاد سیاسی مربوطه به بوته نقد کشد.

علاوه بر این، داستان جشن فرخنده مربوط به دوران رضاخان و قانون کشف حجاب و گذاشتن «کلاه پهلوی» (رنجبر، ۱۳۸۹: ۸۷) می‌باشد و از الزام و استبداد حکومت به رعایت قانون و به زحمت افتادن خانواده‌های مذهبی حکایت می‌کند. راوی از منظر کودکی از خانواده مذهبی، قانون رضاخانی در جامعه را شایان توجه قرار می‌دهد.

اشاره‌های کودک در داستان جشن فرخنده به سختی زن‌های مذهبی و دشوار و محدود شدن ارتباط اجتماعی آنها نشان از موضع انتقادی و منفی او نسبت به این قانون دارد:

«یک زن چادرنمازی سرش را از خانه روبه‌روی درآورد و نگاهی توی کوچه انداخت و خوب که هر طرف را پایید دویید بیرون و بدو رفت سه تا خانه آنطرف‌تر- در را هل داد که برود تو؛ اما در بسته بود» (آل‌احمد، ۱۳۶۳: ۴۱).

علاوه بر این که او در داستان، بیزاری خود را نسبت به ظواهر و اسباب تجدد و غرب‌گرایی ابراز می‌کند، گله‌مندی او از آماده کردن حمام برای زن‌های فامیل، در جای دیگری از داستان، نیز انتقاد غیرصریح او را به قانون کشف حجاب می‌رساند:

«از وقتی توی کوچه چادر را از سر زن‌ها می‌کشیدند بابام تصمیم گرفته بود حمام بسازد و هفته‌ای هفت روز دود و دمی داشتیم که نگو» (همان: ۳۶).

به‌طور کلی مسائلی را که در مورد الزام در برداشت حجاب و عمامه و گذاشتن کلاه در داستان مطرح می‌شود، به دلیل روایت از زبان کودک سنت‌گرای داستان و تعلق او به خانواده‌ای مذهبی، می‌توان حاوی نارضایتی و نقد او به تحکم و زورگویی حکومت رضاخانی و غرب‌گرایی آن دانست.

در کنار این موارد، قهرمان کودک جشن فرخنده به بازی با کلاه عمله‌ها به تقلید از آجان‌ها اشاره می‌کند. امری که به‌طور غیرمستقیم کنایه و نقد او به رفتار آجان‌ها و آزار عمله‌ها را در بر دارد:

«می‌رفتیم سرخیابان و به تقلید آجانها کلاه نمادی عمله‌ها را از سرشان می‌قاییدیم و دستش‌ده بازی می‌کردیم.» (همان: ۴۰).

## ۵. نتیجه گیری

مسئله اصلی و محوری این پژوهش، بررسی ناسازگاری‌های شخصیت‌های اصلی کودک آثار داستانی جلال آل‌احمد بود که در قالب سه پرسش مطرح شد. پرسش اول این پژوهش به نسبت میان شخصیت‌های ناسازگار داستان‌های جلال آل‌احمد و شخصیت وی اختصاص داشت که در پاسخ به این پرسش باید گفت که در فرایند پژوهش مشخص شد که قهرمانان کودک داستان‌های انتخاب شده با شخصیت جلال آل‌احمد ارتباط دارند؛ علاوه بر خاطره‌وار بودن داستان‌ها و نزدیکی شخصیت قهرمان به شخصیت جلال، رویکرد انتقادی راوی کودک به حاکمیت کشف حجاب و تجددگرایی به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی-سیاسی، او را یک منتقد اجتماعی جلوه می‌دهد که عقاید و سخنان نویسنده از زبان کودک یازده ساله مطرح می‌شود. جلال آل‌احمد که در غرب‌زدگی، مخالفت خود را با غرب‌گرایی جامعه و حکومت ابراز می‌کند در جشن فرخنده نیز با روایتی داستانی، این مسئله را از زبان یک کودک به‌بوته نقد می‌کشد و از طریق مخالفت‌ها و انتقادات او، هرگونه تحکم و اجبار را، چه در حوزه مذهب و اعتقادات دینی و چه در مقابل آن تجددگرایی و غرب‌زدگی، مورد انتقاد قرار داده است.

۱. بازی «دستش‌ده» که به اشتباه با عنوان بازی «دست رشته» رایج است، نوعی بازی گروهی مرسوم در برخی از شهرها و روستاهای ایران می‌باشد. این بازی در فضای باز اجرا می‌شود و با دویدن و فعالیت بدنی بسیار زیاد همراه است. روش بازی به این صورت است که افراد در محوطه پخش می‌شوند و فردی برگزیده می‌شود و در میانه دیگران می‌ایستد. این فرد می‌بایست هنگام پاس‌کاری توپ (با دست) میان دیگر بازیکنان، توپ را از آنان بگیرد یا برآید. شخصی که توپ را از دست می‌دهد جای او را در وسط می‌گیرد. این بازی تقریباً عکس بازی «وسطی» است که در آن، بازیکنان وسط و میانه تلاش می‌کنند از برخورد توپ به دور باشند.

گاهی این بازی دست‌مایه شوخی یا دست‌انداختن کسی می‌شود، بدین ترتیب که یکی از وسایل فرد را برمی‌دارند و آن شیء یا وسیله را با شوخی و شیطنت دست‌به‌دست می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۴ و ۱۰۵) یا به طرف هم پرتاب می‌کنند تا مانع رسیدن آن وسیله به دست صاحبش شوند.

در پرسش دوم این پژوهش به انواع ناسازگاری قهرمان‌های داستان‌های بحث شده اشاره شده بود که پس از بررسی سه نوع ناسازگاری اجتماعی، شخصیتی یا فردی و سیاسی در داستان‌ها دیده شد. تأثیرپذیری راوی کودک از پدر از اهمیت نقش خانه و خانواده در تربیت فرزند حکایت دارد. امری که در جشن فرخنده با توجه به روحیات و اخلاق پدر و در کنار آن شخصیت راوی دریافت می‌شود. تندخویی و حاکمیت آمرانه پدر با وجود موضع انتقادی راوی به خلق و خوی او، بر رفتار راوی تأثیر می‌گذارد که در نوع برخورد او با خواهر کوچک‌تر و ناسازگویی‌ها و ضرب و شتم او نمود پیدا می‌کند. افکار سنتی و تجدد ستیزانه خانواده نیز روی کودک بی‌تأثیر نبوده، او با ابراز نفرت از افراد متجدد و انتقاد به ورود ظواهر تجدد و غرب‌گرایی به قوانین مدرسه، اندیشه سنتی و مخالف مدرنیته خود را آشکار می‌سازد.

تأثیرپذیری قهرمان خواهرم و عنکبوت نیز از خانواده و به‌ویژه پدر به روشنی به چشم می‌خورد. پدر با وجود عدم حضور مستقیم در داستان، بر اساس اشارات تلویحی راوی به اخلاق و کردار او، به‌عنوان فردی پرخاشگر و فحاش شناخته می‌شود. شخصیتی که تحت تأثیر تفکر پدرسالاری حاکم بر جامعه، در خانه، رفتاری آمرانه و توأم با تندخویی دارد و کودک در چنین محیطی تنها مجبور به انجام امر پدر می‌باشد. چنین رویکردی موجب محدودیت راوی در انجام بازی‌های دل‌خواه و نداشتن آزادی کافی در عمل می‌شود و او را به آزار دادن حشرات برای سرگرمی هدایت می‌کند. مسائلی که ذکر آن از جانب راوی حاکی از نارضایتی و انتقاد او به منش و سلوک پدر در خانه است.

بدخویی پدر در خانه با وجود نگرش انتقادی راوی به آن، بر روی روان و خلق و خوی او اثر می‌گذارد و نوع برخورد او با خواهر کوچک‌تر، هم‌کلاسی‌ها و معلم حساب نشان از تندخویی و پرخاش‌جویی او دارد. تفکرات و احساس درونی او نسبت به افراد نیز از تأثیر خانواده بر کنار نیست. نفرت و انزجار راوی نسبت به شوهر خواهر علاوه بر ناراحتی شخصی او از مورد تمسخر او واقع شدن، از نوع رفتار خانواده با شوهر خواهر و بدگویی‌های آنها نسبت به او نیز نشأت می‌گیرد. عقاید تجدد ستیزانه او به‌عنوان یک کودک در مخالفت غیرمستقیم با غرب‌گرایی شوهر خواهر و اعتراض به تمسخر روحانیون از جانب معلم حساب نیز حاکی از رشد و تربیت او در محیط خانواده‌ای مذهبی و سنتی می‌باشد.

در نهایت آنچه به‌عنوان عاملی مهم در نوع شخصیت قهرمان داستان‌ها و مخالفت‌ها و انتقادها و عدم رفتارهای صحیح او بیش از همه مورد توجه قرار می‌گیرد، اهمیت نقش خانواده و به‌ویژه والدین بر

تربیت و رفتار اجتماعی کودک می‌باشد؛ چراکه اثرپذیری کودک از تندخویی پدر و محیط خانواده منجر به بروز برخی رفتارهای نامتناسب با ارزش‌های اخلاقی در اجتماع شده و چگونگی ارتباط او با دیگران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، برخی انتقادات راوی کودک به روشنی موضع نویسنده را نشان می‌دهد. انتقاد به تعصبات دینی و وضعیت آموزشی، نشان‌دهنده نارضایتی نویسنده است. رویکرد انتقادی راوی کودک به کشف حجاب و تجدّدگرایی به‌عنوان مسأله‌ای اجتماعی - سیاسی نیز چنین است. جلال که در این دوران به اعتقادات دینی بازگشته است از یک سو از دگم‌اندیشی و جمود دینی در میان افراد، از زبان کودک راوی انتقاد می‌کند و از سوی دیگر با غرب‌گرایی مخالفت می‌ورزد. در هر سه داستان این نوع رویکرد سیاسی دیده می‌شود. در خصوص پرسش سوم که درباره منفی یا مثبت بودن ناسازگاری‌های شخصیت کودک مطرح شده بود، مشخص شد که علاوه بر ناسازگاری‌های اجتماعی و شخصیتی یا فردی که به‌عنوان ناسازگاری منفی قلمداد می‌شود، ابراز نارضایتی شخصیت از وضعیت حکومت رضاخانی و ممنوعیت حجاب و امثال آن را که ذیل عنوان ناسازگاری سیاسی به آن اشاره شده می‌توان نوعی ناسازگاری مثبت و در جهت تغییر و اصلاح شرایط دانست.

### کتابنامه

- آل احمد، جلال. (۱۳۶۳) پنج داستان، چ ۲. تهران: انتشارات رواق.
- آل احمد، جلال. (۱۳۸۴). سنگی برگوری، چ ۱. تهران: جامه داران.
- آل احمد، شمس. (۱۳۶۹) از چشم برادر. قم: انتشارات کتاب سعدی.
- اچ ترنر، جانانان. (۱۳۷۸) مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، چ ۱. ترجمه محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- احمدی، پریا. (۱۳۹۶) تیپ‌شناسی شخصیت‌های داستانی جلال آل احمد براساس طبقه‌بندی انیه‌گرام. کارشناسی ارشد. استاد راهنما: پارسا. کردستان: دانشگاه کردستان.
- اسحاقیان، جواد. (۱۳۸۸) سایه‌های روشن در داستان‌های جلال آل احمد، چ ۱. تهران: گل آذین.
- افخمی‌نیا، مهدی؛ جواری، محمدحسین. (۱۳۹۶) «تحلیل ادبی - جامعه‌شناختی زن زیادی جلال آل احمد بر طبق الگوی لوسین گلدمن». پژوهش زبان و ادبیات فرانسه، شماره ۱۱، صص ۴۱ - ۵۸.
- اکبری، ابوالقاسم. (۱۳۸۴) عوامل ناسازگاری کودک و نوجوان، چ ۱. دماوند: رشد و توسعه.

- امیری، علی. (۱۳۶۴) «ناسازگاری کودکان»، پیوند، خرداد، شماره ۶۸، صص ۳۶ - ۳۸.
- ایزنلو، امید. (۱۳۹۳) *تحلیل و نقد جامعه‌شناختی داستان‌های جلال آل احمد و نجیب محفوظ*. دکترای تخصصی. استاد راهنما: عبداللهی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- پشت‌دار، علی محمد؛ سلامت، زهرا. (۱۳۹۱) «تحلیل و بررسی عناصر داستان در کتاب پنج داستان جلال آل احمد». کتاب ماه ادبیات، بهار، شماره ۱۷۶، صص ۴۸ - ۵۲.
- حاتمی، هادی. (۱۳۸۹) «راز گلدسته‌ها». نشریه رشد آموزش و پرورش، زمستان، شماره ۹۶، صص ۹۲ - ۹۷.
- خسروی، اشرف؛ زارعی، فخری. (۱۳۹۷) «نقد جامعه‌شناختی داستان سه تار جلال آل احمد با رویکردی به خلاقیت نویسنده و شگردهای زیبایی شناختی داستان». فنون ادبی، پاییز، سال دهم، شماره ۳، صص ۶۵ - ۷۸.
- دانشور، سیمین. (۱۳۷۱) *غروب جلال، چ ۴*. بهار. قم: نشر خرم.
- دهباشی، علی (گردآورنده). (۱۳۶۸) *یادمان جلال آل احمد*، چ ۱. تهران: مؤسسه فرهنگی گسترش هنر.
- دهقانی فیروزآبادی، محمدحسین. (۱۳۸۱) «رنالیسم پویا و جلال آل احمد». *کاوش نامه*، سال سوم، شماره ۴، صص ۱۵ - ۴۱.
- رنجبر، ابراهیم. (۱۳۸۹) «تأویل سیاسی اجتماعی داستان‌واره سرگذشت کندوها». *ادب پژوهی*، بهار، شماره ۱۱، صص ۱۲۰ - ۱۴۲.
- زمانی‌نیا، مصطفی. (۱۳۷۴) *مکالمات جلال آل احمد*. (پژوهش و ویرایش). تهران: انتشارات فردوس.
- زیار، محمد؛ شرکت مقدم، صدیقه. (۱۳۸۸) «بررسی تطبیقی خواهرم و عنکبوت جلال آل احمد و بیگانه آلبر کامو». *ادبیات تطبیقی جیرفت*، بهار، سال پنجم، شماره ۹، صص ۸۷ - ۱۰۲.
- سلامت، زهرا. (۱۳۸۹) *تحلیل و بررسی عناصر داستان در «پنج داستان» جلال آل احمد*. کارشناسی ارشد. استاد راهنما: پشت‌دار. تهران: دانشگاه پیام نور.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر. (۱۳۶۴) *فرهنگ علوم رفتاری*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شهریاری، فاطمه. (۱۳۹۰) *نقد واقع‌گرایی اجتماعی در داستان‌های کوتاه جلال آل احمد بر اساس نظریه‌های لوکاس و باختین؛ (از رنجی که می‌بریم، سه تار، پنج داستان)*. کارشناسی ارشد. استاد راهنما: نصر اصفهانی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- عابدینی، حسن. (۱۳۶۶) *صد سال داستان‌نویسی در ایران*. جلد اول (از ۱۲۵۳ تا ۱۳۴۲)، چ ۱. تهران: نشر تندر.

عابدینی، حسن. (۱۳۶۸). *صد سال داستان‌نویسی در ایران*. جلد دوم (از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷)، چ ۱. تهران: نشر تندر.  
 عسگری حسنگلو، عسگر. (۱۳۸۷). *نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی (با تأکید بر ده رمان برگزیده)*، چ ۱. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.

قادری، فاطمه؛ کیانی، مریم؛ کاظمی زهرانی، مرضیه. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در رمان *ابن الفقیه* اثر مولود فرعون و داستان *مدیر مدرسه* اثر جلال آل احمد». *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، زمستان، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۱۱۹ - ۱۴۰.

محسنی سی سخت، نسرين. (۱۳۹۱). *بررسی سیمای کودکان در آثار داستانی جمال میرصادقی و جلال آل احمد*. کارشناسی ارشد. استاد راهنما: ملک ثابت. یزد: دانشگاه یزد.

محمدی، آیت‌الله؛ محمدی، فاطمه. (۱۳۸۴). *فرهنگ بازی‌های محلی ایلام*، جلد دوم. تهران: آریو جان.

محمودی جزه، سمیه سادات. (۱۳۹۲). *بررسی سبک‌شناسانه داستان‌های کوتاه جلال آل احمد*. کارشناسی ارشد. استاد راهنما: نیک‌منش. تهران: دانشگاه الزهرا.

منبری، شهلا. (۱۳۹۱). *تیپ‌شناسی شخصیت‌های داستانی جلال آل احمد*. کارشناسی ارشد. استاد راهنما: جعفری. تهران: دانشگاه پیام نور.

## References

- Al Ahmad, Jalal. (1363) *Five Tales*, Chapter 2. Tehran: Ravaq Publications. (in Persian)
- Al Ahmad, Jalal. (1384) *Stone on the Grave*, Ch 1. Tehran: Jamehdaran. .(in Persian)
- Al Ahmad, Shams. (1369) *From the Eyes of the Brother*. Qom: Saadi Book Publications. (in Persian).
- H Turner, Jonathan. (1378) *Concepts and Applications of Sociology*, Chapter 1. Translated by Mohammad Fouladi and Mohammad Aziz Bakhtiari. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. .(in Persian)
- Ahmadi, Pariya. (2016) *Jalal Al Ahmad's Typology of Fictional Characters based on Enyegram classification. Masters*. Supervisor: Parsa. Kurdistan: University of Kurdistan. .(in Persian)
- Eshaghian, Javad. (1388) *Bright Shadows in the Stories of Jalal Al-Ahmad*, ch.1. Tehran: Golazin. .(in Persian)
- Afakhminia, Mehdi; Javari, Mohammad Hossein. (2016) "Literary-sociological analysis of Jalal Al-Ahmad's Zane Zadey according to Lucien Goldman's Model". *French Language and Literature Research*, No. 11, pp. 41-58. .(in Persian)

- Akbari, Aboulqasem. (1384) *Factors of Child and Teens incompatibility*, Ch1. Damavand: Growth and Development press. (in Persian)
- Amiri, Ali. (1364) "Children's Incompatibility", *Peyvand*, Khordad, No. 68, pp. 36-38. (in Persian)
- Izanello, Omid. (2013) *Sociological Analysis and Criticism of the Stories of Jalal Al-Ahmad*, Najib Mahfouz. Ph.D. Supervisor: Abdoullahi. Mashhad: Ferdowsi University. (in Persian)
- Pousht dar, Ali Mohammad; Salamat, Zahra. (1391) "Analysis and Review of Story Elements in the book of Five stories by Jalal Al Ahmad". *The Book of Literature Month*, Spring, No. 176, pp. 48-52. (in Persian)
- Hatami, Hadi. (1389) "The secret of garlands". *Journal of Education Growth*, Winter, No. 96, pp. 92-97. (in Persian)
- Khosravi, Ashraf; Zarei, Fakhri. (2017) "Sociological Critique of the story of Sehtar Jalal Al-Ahmad due to the aesthetic views of the story". *Literary Techniques*, Autumn, Year 10, No. 3, pp. 65-78. (in Persian)
- Daneshvar, Simin. (1371) *On the Memory of Jalal Al Ahmad*, Ch 4. Bahar. Qom: Nashharram. (in Persian)
- Dehbashi, Ali (collector). (1368) *Yadman Jalal Al-Ahmad*, Ch 1. Tehran: Cultural Institute ,Shahner Foundation.(in Persian)
- Dehghani Firouzabadi, Mohammad Hossein. (1381) "Active Realism and Jalal Ahmad". *Kavoushnameh*, 3rd, No. 4, pp. 15-41. (in Persian)
- Ranjbar, Ebrahim. (1389) "Social Political interpretation of the History of Hives". *Literary Studies*, Spring, No. 11, pp. 120-142. (in Persian)
- Zamaninia, Moustafa. (1374) *Conversations of Jalal Al-Ahmad*. (research and editing). Tehran: Ferdous Publications. (in Persian)
- Zeyyar, Mohammad; Moghadam Sherkat, Sedigheh. (1388) "A Comparative Study of Jalal Al-Ahmad's My Sister and the Spider and Albert Camus's Stranger". *Jiroft Comparative literature*, spring, fifth year, number 9, pp. 87-102. (in Persian)
- Salamat, Zahra. (2009) *Analysis and Review of Story Elements in "Five Stories" by Jalal Al-Ahmad*. Master's degree. Supervisor: Posht-Dar. Tehran: Payamanour University. (in Persian)
- Shaarinejad, Ali Akbar. (1364) *Culture of Behavioral Sciences*. Tehran: Amir Kabir Publications. (in Persian)



- Shahriari, Fatemeh. (2016) Social realism criticism in Jalal Al-Ahmad's short stories based on the theories of Lukacs and Bakhtin; (We Suffer, Seh Tar, five Stories). Masters. Supervisor: Nasrasafhani. Isfahan: University of Isfahan. .(in Persian)
- Abedini, Hassan. (1366) *One hundred years of story writing in Iran*. The first volume (from 1253 to 1342), chapter 1. Tehran: Thunder Publishing. .(in Persian)
- Abedini, Hassan. (1368). *One hundred years of story writing in Iran*. The second volume (from 1342 to 1357), chapter 1. Tehran: Thunder Publishing. .(in Persian)
- Asgari Hasanklou, Asgar. (1387) *Social Criticism of Contemporary Persian Novels (with emphasis on ten selected novels)*, ch.1. Tehran: Farzan Rooz publishing and research. .(in Persian)
- Qadri, Fatemeh; Keyani, Maryam; Kazemi Zahrani, Marzieh. (2016) "Comparative study of social themes in Ibn al-Faqir's novel by Mawlad Faraun and the school principal's story by Jalal Al Ahmad". *Research Journal of Comparative Literature*, Winter, Year 6, Number 24, pp. 119-140. .(in Persian)
- Mohseni Sisakht, Nasrin. (2012) *Examining the Appearance of Children in the Fictional Works of Jamal Mirsadeghi and Jalal Al-Ahmad*. Masters. Supervisor: Malek Thabit. Yazd: Yazd University. .(in Persian)
- Mohammadi, Ayatollah; Mohammadi, Fatemeh. (2004) *The culture of local games in Ilam*, Volume II. Tehran: Ariyohan. .(in Persian)
- Mahmoudi Jazeh, Somayah sadat. (2012) *Stylistic review of Jalal Al-Ahmad's short stories*. Masters. Supervisor: Nikmanesh. Tehran: Al-Zahra University. .(in Persian)
- Manbari, Shahla. (2012) *Jalal Al Ahmad's Typology of Fictional characters*. Masters of Arts. Supervisor: Jafari. Tehran: Payam Noor University. .(in Persian)